

تبری و آثار آن از منظر قرآن و روایات

خانم علایی - طلبه سطح دو مدرسه علمیه فاطمیه (س) چیدر
شایسته تقدیر سومین جشنواره علامه حلی استان تهران

چکیده

«تبری» یکی از واجبات شرعی و فروع دین است که همیشه با تولی ذکر میشود و به معنی اعلام بی‌زاری از دشمنان خدا، انبیا و اولیای او خصوصاً نبی مکرم اسلام (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) است. ولی گاه به دلیل اوضاع سخت سیاسی و حفظ مصالح مسلمانان میتوان آن را کتمان کرد. «تولی و تبری» نقش مستقیمی در اعمال و رفتار انسان و رسیدن وی به کمال دارد و تمامی امور دنیوی، اخروی و اخلاقی را شامل میشوند. نکته دیگر این که هیچگاه نمیتوان محبت دو فرد یا گروه مخالف را جمع کرد و دوستی خدا و پیامبران، با علاقه به دشمنان ایشان ناممکن است. در قرآنکریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) مصادیقی برای «تبری» بیان شده است که از جمله میتوان به منحرفان اعتقادی، مشرکان، کفار، ظالمان و طاغوت اشاره کرد.

پیشگیری از انحراف و کفر مسلمانان، حفظ وحدت، هویت و ارزشهای اخلاقی، قبولی اعمال و آموزش گناهان از آثار «تبری» به شمار میروند. از نتایج این پژوهش میتوان به این نکته اشاره کرد که «تبری» از کسانی واجب است که ویژگیهای آنان چون کفر، شرک و ظلم و... در قرآنکریم و احادیث معصومان (علیهم السلام) آمده است. مسلمانان در سایه عمل به «تبری» میتوانند خود و جامعه اسلامی را از انحراف و گسستگی، ضعف و نابودی، از دست رفتن هویت و ارزشها و شراکت در باطل حفظ کنند و به شناخت حقیقی خدا و قبولی اعمال و صدق و قبولی محبت خدا، انبیا و معصومین (علیهم السلام) دست یابند. همچنین در سایه عمل به این واجب الهی است که ایمان پذیرفته و محقق میشود چرا که «تبری»، حقیقت ایمان و جزء آن است و سبب حفظ مرزهای ایمان و کمال آن خواهد شد.

کلیدواژه

تولی، تبری، تقیه.

مقدمه

«تولی و تبری» دو روی یک سکهاند و پژوهشهای موجود یا به طور کلی یا با رویکرد تولی صورت گرفتهاند. از این رو جای بررسی تبری با توجه به نقش کلیدی آن حتی در تولی، خالی به نظر آمد. در کتب روایی موجود، از جمله کتاب اعتقادات شیخ صدوق (ره) و تجرید الاعتقاد شیخ طوسی (ره) احادیث مستندی موجود است اما کتاب خاصی با این عنوان و رویکرد یافت نشد، لذا منابع مورد استفاده، اغلب کتب روایی و تفسیری است که در شرح آیات، مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله پژوهشهای مرتبط با این موضوع پایاننامه «تولی و تبری از دیدگاه قرآن و روایات» نوشته خانم زهرا مقیمی، در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران (1379) میباشد که چنانچه گذشت، تولی را محل توجه قرار داده است. بنابراین برای جبران کاستیها، پژوهش حاضر با عنوان «تبری و آثار آن از منظر قرآن کریم و روایات» فراهم آمده است. این تحقیق دربردارنده تعاریف: تبری، ارتباط آن با تولی و تقیه ضرورت آن است و مصادیق تبری از جمله دشمنان، شیطان، منحرفین و تارکان تبری، اهمیت و جایگاه آن در زندگی مسلمانان مانند عدم تمایل به بیگانگان، انحراف و کفر مسلمانان، حفظ وحدت و قدرت و عدم گسستگی و ضعف جامعه اسلامی، حفظ هویت و ارزش های اسلامی و اهمیت و آثار آن در ایمان مانند حقیقت و جزء ایمان و سبب حفظ مرزها و حدود ایمان بودن تبری و آثار آن در قیامت میباشد.

تبری: از ریشه «برأ» و «برء» (راغب اصفهانی، بیتا: 38) و به معنای دوری و رهایی از هر چیز ناخوشایند و اکراه آور است چه آن چیز عیب، دین، گناه، شخص و... باشد. (ابن فارس، 1389 ق: 236-1/237 در اصطلاح، یکی از دو فرع تولی و تبری از فروع دهگانه و منشعب از اصل امامت اصول دین اسلام و مذهب تشیع است که از ضروریات میباشد؛ به معنای دشمنی و بی‌زاری از دشمنان خدا، فرستادگان او و اوصیاء ایشان است. (حسینی دشتی، 1385 ش: 2/558) این ماده و مشتقاتش در 16 آیه از قرآنکریم معنای مقصود ما را داراست (حاج سیدجوادی، صدر، خرمشاهی، فانی، 1375 ش: 5/157) با توجه به اهمیت ویژه تبری، روایات زیادی در رابطه با آن وارد شده است.

تولی: از ماده «ولی» به معنای نزدیکی، دوستی و ولایت و پذیرش آن است (ابن فارس، 1389 ق: 7/250) که اگر با حرف اضافه «عن» همراه شود بهمعنای پشت کردن و اعراض میباشد (راغب اصفهانی، بیتا: 38) و در اصطلاح، عبارت است از: دوستی و پیوستگی با خدا و اهل حق از انبیا و اوصیاء تا معصومین و اعتقاد به ولایت نبی خاتم (ص) و دوازده وصی و جانشین او و دوستداران ایشان (حسینی دشتی، 1385: 2/558) ماده تولی در 57 سوره از قرآنکریم 233 مرتبه به کار رفته است (حاج سیدجوادی و دیگران، 1375: 157/5) همچنین روایات زیادی در رابطه با آن وارد شده است که از جمله قویترین آنها بخشی از خطبه پیامبر در روز غدیر است که فرمودند: «هر کس من مولای اویم علی نیز مولای اوست.» (طبری، 1387: 149-150)

تقیه: از ماده «وقی» (ابن مکرّم، بیتا: 15/401) به معنای حفظ و صیانت خود از آزار و... و دفع آن است (جزری، بیتا: 217/5) و در اصطلاح، آن را سپر دفاعی مؤمن در مقابل خطرات جانی، مالی و آبرویی که از جانب مخالفان ایجاد شده است دانستهاند که غرض اصلی آن صیانت دین و دینداران است به این صورت که به زبان یا در عمل مخالف حق و اعتقاد خود رفتار نماید (ابن فارس، 1389: 131-6/236) در قرآنکریم و روایات معصومین (علیهم السلام) نیز هر جا که ضرورتی اقتضاء داشته است به تقیه امر و در مواردی

از آن نهی شده است (رازی، 1408: ق: 265/4) از معروفترین این آیات آیه شریفه 106 سوره نحل است که به بیان تقیه عمّار در مقابل کفار برای نجات جاننش و تأیید آن میپردازد (خوانساری، 1366: 3/71).

ارتباط تبری، تولی و تقیه

بعد مکتبی هر فردی موجب میشود که در مقابل حق و باطل بیطرف نماند پس در اعمال و رفتار او و در همه جوانب تأثیرگذار میباشد (مکارم، 1378: 1/380-370) این سه همواره همراه یکدیگرند؛ زیرا هیچیک بدون دیگری، انسان را به سعادت نمیرساند و پذیرش تبری شرط قبول تولی است. چنانچه در حدیث نبوی (ص) آمده است: «یا علی!... ولایت تو پذیرفته نیست، مگر به برائت و بیزاری و تنفر از دشمنان تو...» (مجلسی، 1386: ق: 27/63) اما گاهی به دلیل وجود شرایط تقیه، فرد، ناچار به حفظ تبری با وجود عمل به تقیه است لذا باید تبری از دشمنان و... را در دل مخفی کند تا به سبب ابراز آن خود را به خطر نیندازد. (مکارم، 1384: 2/373)

«نهی از تبری ظاهراً دو جهت عمده دارد؛ یکی آنکه تبری صورت گرفته بیجا و ناصحیح بوده و نهی از آن به سبب رفع ابهام یا اتهام از فرد یا گروهی بوده است که به دلیل اختلاف درجات ایمان شیعیان، متهم به بی ایمانی و کفر و... شده بودند» (کلینی، 1386: 3/103 و دیگری همان موارد تقیه است. حفظ خود از آسیبها و خطرات احتمالی از تمایلات ذاتی همه موجودات است و هر آسیبی شیوه خود را برای مقابله میطلبد چرا که برخی را میتوان رو در رو مقابله کرد؛ اما برخی دیگر نیاز به راههای پیچیدهتری دارد که تقیه از آن دسته است. زیرا هنگامیکه فرد در جامعه مقتدر کافر و ظالمی زندگی میکند که فریاد ایمانش بهجایی نمیرسد و به آسانی سرکوب میشود، جای مقابله رو در رو نیست. مهمترین امر در تحقق هدف از تقیه و برائت، تشخیص زمان و موقعیت صحیح هر کدام است.

«آنچه ملاک تحقق تقیه است، تنها خوف، اکراه یا اضطراب و مدارا و لزوم کتمان نیست، بلکه هر انگیزهای که در شرایط اقتدار مخالف برای پوشش دادن فعالیتها و حفاظت از دین و ارزشهای دینی ضرورت یابد، میتواند ملاک آن باشد و بدون رعایت مصلحت دین و صیانت از آن، انجام هر عملی که در ظاهر دارای تمامی ملاکهای تقیه باشد، محکوم به حکم تقیه نیست بلکه اگر موجب ضعف و انحطاط دین شود خیانت به آن است.» (مومنی، 1386: 359-357)

هیچیک از تولی و تبری بی دیگری معنا و اثربخشی ندارد. چنانچه دوستی خدا نمیتواند با دوستی دشمنان او همراه گردد. همانطور که نمیشود خدا را دوست داشت اما دشمنش را دشمن ندانست. امیرالمؤمنین (ع) با اشاره به آیه شریفه چهارم سوره مبارکه احزاب فرمودند: «هرگز دوستی ما و دوستی دشمن ما در یک دل ننگد، زیرا که خداوند برای یک مرد دو دل در درونش نهاده است، تا با یکی گروهی را و با دیگری دشمنان همان گروه را دوست بدارد» (مفید، بی تا: 259)

فلسفه تبری

فطرت و عقل سلیم، آدمی را از نزدیکی به هر پلیدی و تباهی باز میدارد؛ همانطور که جسم او را از آلودگی به نجاست و انسان آلوده به آن، منع میکند. جایگاه هویت بخشی تبری است که آن را حائز اهمیت میکند چرا که تبری مرز کشور دین و اعتقادات دینی بوده و مانع هجوم بیگانگان است. گذشته از آن فطرت والای انسانی با ظلم و ستم سرناسازگاری دارد و در مقابل آن میایستد. اسلام نیز بر مبنای همین فطرت پاک، سکوت در برابر ظلم و بی عدالتی را جایز ندانسته و آن را مایه خروج از دین میداند چنانچه در حدیث نبوی آمده است (عاملی، 1409: ق: 7/108)؛ این ظلمستیزی چه به عمل در آید و چه به سبب محدودیتها و مصالح در قلب پنهان باشد، جوهره وجودی تبری است (مومنی، 1386: 359-357)

مصادیق تبری

مصادیق تبری در کلام الهی و معصومین (علیهم السلام) به دو صورت کنایی و صریح ذکر شدهاند که مختصراً مواردی را بیان مینماییم:

1) عدو الله

عدو که به معنای دشمن، تجاوز در حق و عدالت است (قرشی، 1373: 306-303) به دو صورت میباشد؛ «یکی آنکه با او دشمنی داشته و آزار او به قصد دشمنی است و دیگری آنکه قصدش دشمنی نیست بلکه حالتی دارد که شخص را اذیت میکند همانگونه که از دشمن آزار ببیند» (راغب اصفهانی، بی تا: 38) اما این دشمنی یا مسلحانه است یا غیرمسلحانه مانند تجاوز، مخالفت و مجادله.

در قرآنکریم اشارات متعددی به دشمن خدا، ملائکه، انبیا و اولیا یا همه انسانها شده است و دشمنی با هر یک را، هم رتبه با دشمنی با خدا دانسته چنانچه در آیه 98 سوره بقره میفرماید: «کسی که دشمن خدا و ملائکه و رسولان او و جبرئیل و میکائیل است باید بداند که خدا هم دشمن کافران است.»

طبق احادیث از جمله حدیث معروف ایذاء که پیامبر (ص) فرمودند: فاطمه پاره تن من است هر چه او را آزار دهد مرا آزار داده است (همان، 38)؛ اهل بیت حضرت نیز ملحق به ایشانند. شبیه این مضمون از ایشان در مورد علی (ع) و حسین (علیهما السلام) نیز آمده است (طبرسی، 1374: 8/581) برخی مفسرین در تفسیر آیات شریفه 57 و 58 سوره مبارکه احزاب نزول آن را بهروشنی درباره کسانی میدانند که حق امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت فاطمه (س) را غصب کردند و ایشان را آزرده (قمی، 1367: 2/196)

2) شیطان

خدای تعالی به دوری از شیطان امر فرمودهاند؛ چنانچه در آیات شریفه 168 و 208 سوره مبارکه بقره میفرماید: «از گامهای شیطان پیروی نکنید، چه اینکه او دشمن آشکار شماست» و برای رهایی از وسوسههایش میفرماید: «و هرگاه وسوسههایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنونده و داناست.» (فصلت، 36/36)

3) منحرفین در اعتقادات

منحرفین در اعتقادات کسانی هستند که در شناخت و اعتقاد به خدای تعالی یا ائمه معصومین (علیهم السلام) به خطا رفته‌اند. از جمله اعتقادات انحرافی در باب خدای تعالی اعتقاد جبریه و قدریه و شریک قائل شدن برای خدای یگانه و تجسیم اوست که معصومین (علیهم السلام) به بیزاری از آنها تأکید بسیار کرده‌اند اما از راهگشاترین آیات در باب شناخت باری تعالی سوره اخلاص است که مشتمل بر توحید حقیقی از زبان خدای متعال است.

«اما اهمیت انحراف در شناخت امام به اهمیت و نقش او در اثرگذاری مستقیم در زندگی و جایگاه فرد در دنیا و آخرت باز میگردد زیرا امام به معنای رهبر و کسی است که انسان در همه شئون زندگی به او اقتدا میکند» (راغب اصفهانی، بی‌تا: 20) که به هر دو جهت رهبری یعنی هدایت و گمراهی اطلاق میشود.

قرآنکریم امام ضلالت را کسی معرفی میکند که به سبب مقدم شمردن فرمان خود بر فرامین الهی و عمل بر طبق هوای نفس و مخالف کتاب الله به سوی دوزخ دعوت مینماید به خلاف امامان هدایت که مطابق فرمان خدا مردم را هدایت مینمودند (العروسی، 1415 ه.ق: 3/441)؛ که برخی مفسرین در ذیل آیه شریفه 41 سوره مبارکه قصص که بر این امر اشاره دارد با استناد به حدیث نبوی و امر الهی ائمه هدایت را علی (ع) و ذریه او میدانند (همان، 440/3).

4) کفار

کافر کسی است که خدا یا توحید یا نبوت یا امر ضروری و ارکان دین را مانند اعتقاد به ائمه و ولایت ایشان منکر شده یا به یکی از آنها شک کند. کافر را تارک ایمان، گناهکار و کسی که با امیرالمؤمنین علی (ع) جنگ کند نیز دانسته اند (طبرسی، 1374: 128/1). خداوند متعال در آیه شریفه 23 سوره براءت ایمان و کفر را ملاک دوستی میدانند به طوری که نسبت نزدیک هرچند خونی نمی تواند مانع و بهانه مقبول برای سرپیچی از آن باشد و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه پدران و برادران شما، کفر را به ایمان ترجیح دهند، آنها را ولی (یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند.» در بین کفار اهل کتاب، یهود همواره مورد توجه قرآنکریم قرار گرفته و بر دشمنی آنان با مسلمین و دوری از آنها تأکید مینماید چنانچه در آیه شریفه 82 سوره مبارکه مائده میخوانیم: «بھطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت...»

5) مشرکین

مشرک کسی است که برای غیر خدای متعال نقش موثر و مستقل قائل است و دارای اقسامی از جمله شرک در خالقیت، نیت و مالکیت میباشد (زمانی، 1378: 83-70) که بیزاری از آن واجب است (صدوق، بی‌تا: 130).

6) ظالمین

ظلم؛ تجاوز از حق (راغب اصفهانی، بی‌تا: 326)، ستم و بیداد کردن است و ظالم فاعل آن می باشد که ملعون بوده و تبری از آنان واجب است (قمی، 1367: 2/196).

بر اساس آیات قرآن «ظلم سه قسم است: ظلمی که خدا نمی‌آمرزد، ظلمی که می‌آمرزد و ظلمی که از آن نمیگذرد، اما ظلمی که خدا نمی‌آمرزد شرک است. خداوند میفرماید: «حقاً که شرک ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا می‌آمرزد، ظلم بندگان به خودشان، میان خود و پروردگارشان است، اما ظلمی که خدا از آن نمیگذرد ظلم بندگان به یکدیگر است» (پاینده، 1382: 561).

7) طاغوت

طاغوت از ریشه «طغی» به معنای تجاوز از حد و هر چیز غیر از خدا که پرستش و اطاعت شود می باشد (راغب اصفهانی، بی‌تا: 520-521) و آیات متعددی را به خود اختصاص داده است از جمله آیه شریفه 256 سوره مبارکه بقره که میفرماید: «در قبول دین اکراهی نیست (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است. بنابراین کسی که به طاغوت (بت و شیطان و هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای او نیست و خداوند شنوا و داناست.»

8) مغضوبین

غضب در مقابل رضا و به معنای خشم است و مغضوب الهی فرد مورد خشم و دور از رحمت و مورد بلا و عذاب الهی است (ابن منظور، بی‌تا: 1/648) از مشهورترین آیات این باب، آیات شریفه 6-7 سوره مبارکه حمد می باشد: «ما را به راه راست هدایت فرما. راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای و نه گمراهان.» از جمله مغضوبین؛ مردان و زنان منافق، مشرک و بدگمانان به خدا (فتح/6؛ نساء/116)، دشمنان حق و آزاردهندگان پیامبران و رهبران الهی (آل عمران/112) و پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستداران رابطه با آنان (ممتحنه/1) میباشند و کسانی که بغض و دشمنی معصومین را در دل دارند (مفید، بی‌تا: 305).

9) تارکان تبری

با توجه به اهمیت تبری و امرهای متواتر به آن، ترمذ از تبری سبب مورد تبری و بیزاری ائمه (علیهم السلام) و شیعیان قرار گرفتن شخص میگردد. امام صادق (ع) در این رابطه می فرماید: «هر که مخالفت با دین خدا نماید و دوستی با دشمنان خدا و دشمنی با دوستان خدا کند، بیزاری از او واجب است، هر که باشد و از هر قبیله ای.» (همان، 138).

حدیث شدید اللحنی از نبی اکرم (ص) نقل شده است که میفرماید: «کسی که احساس گناه کند از لعن کردن شخصی که خدا او را لعنت کرده، پس لعنت خدا بر او باد.» (کشی، 1348: 2/811).

نتیجه

وجود انسان مانند دیگر موجودات دارای دو قوای جاذبه و دافعه است که او را در تعادل نگه می‌دارد. اما جهت و مبدأ میل این دوست که ارزش او را تعیین میکند چنانچه امام علی (ع) میفرماید: «تو در قیامت با کسی هستی که دوستش داری» (طبری، 1387: 283-282). اگر مبدأ میل، خدا باشد حب و بغض او مانند مابقی وجودش الهی می‌گردد که این از زهد و انقطاع الی الله نیز بالاتر است (مجلسی، 1386 ق: 69/238 و محبت معصومین (علیهم السلام) نیز از اینرو ارزشمند است (مصباح، 105: 1383 و آن را شرط شیعه و پیرو ایشان بودن دانسته اند (صابری، 1375: 467). گویا این تأکید خاص بر تبری به جهت طبع آدمی است چرا که وقتی دوستدار چیزی باشد به آن متمایل شده از هر چه مانع دستیابی به آن است بیزار می‌گردد.

از آنجا که دامنه این دو نیرو تمام امور آدمی از افکار تا اعمال او را متأثر میکند، اثر مستقیم بر سرانجام او دارد. از این رو خداوند متعال حزب خود را در آیه شریفه 22 سوره مبارکه مجادله با آن توصیف میکند که: «هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته، و باروحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد میکند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن میمانند، خدا از آنها خشنود است و آنان (نیز) از خدا خشنودند، آنها «حزب الله» اند، بدانید «حزب الله» پیروز و رستگارند.»

عدم تمایل به بیگانگان، انحراف و کفر مسلمانان، حفظ وحدت و قدرت و عدم گسستگی و ضعف جامعه اسلامی، حفظ جامعه اسلامی از گزند و نابودی (طباطبائی، 604-5/603: 1374)، حفظ هویت و ارزش‌های اسلامی شریک نشدن مسلمانان در باطل، ملاک دستیابی به شناخت حقیقی خداوند متعال، قبولی اعمال، صدق و قبول محبت خدا و معصومین (ع) را میتوان از آثار تبری برشمرد (مکارم، 1384: 5/603).

تبری به دلیل نفوذ در همه شئون زندگی انسان بیشترین اثر را در عاقبت او دارد. بنابراین در جای جای کلام الله امر به تحقیق و دقت در عاقبت اقوام شده است تا با عبرت از آنها از بیراهه‌ها در امان ماند.

آنها که به دشمن خدا روی آورده و تبری را ترک کرده‌اند، در قیامت دچار سختی و تنهایی شده و یاری ندارند به طوری که حتی رهبران‌شان از آنها رویگردانند زیرا در قیامت پیوندهای غیر الهی گسسته می‌شود. تنها راهی که به رویشان باز است دوزخ است که جایگاه همیشگی آنهاست.

کتابنامه

*قرآن الکریم.

منابع عربی

1. ابن فارس، ابی‌الحسین احمد، (1389 ه.ق)، المعجم المقاییس اللغه، بیجا: بینا.
2. ابوالقاسم الحسین بن محمد (راغب اصفهانی)، (بیتا)، معجم مفردات الفاظ القرآن، بی جا: المكتبة المرتضویه.
3. العروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (1415 ه.ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
4. جزری، ابن سعادت مبارک بن مبارک (ابن اثیر)، (بیتا)، نهایی فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت: مکتبه العلمیه.
5. جمعی از نویسندگان، (1415 ه.ق)، شرح المصطلحات الکلامیه، مشهد: آستان قدس رضوی.
6. رازی، ابوالفتح حسین بن علی، (1408 ه.ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (تحقیق) محمدجعفریاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی.
7. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر، (1420 ه.ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
8. سبحانی، جعفر، (1428 ه.ق)، المحاضرات فی الالهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، قم: امام صادق.
9. طباطبائی، محمدحسین، (1417 ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
10. طبرسی، فضل بن حسن (1372)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
11. طوسی، محمد بن حسن، (بیتا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
12. عسگری، مرتضی، (1378)، عقائد اسلام در قرآن کریم، محمد جواد اکرمی، بی جا: مجمع علمی اسلامی.
13. فراهیدی، خلیل بن احمد، (1414 ه.ق)، العین، قم: اسوه.
14. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، (1415 ه.ق)، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: صدرا.
15. قمی، ابی جعفر محمد بن علی (صدوق)؛ محمد بن نعمان (مفید)، (بیتا)، اعتقادات الامامیه و تصحیح الاعتقاد، تبریز: سروش.
16. قمی، عباس (محدث قمی)، (1414 ه.ق)، سفینه البحار، بیجا: دارالاسوه للطباعه و النشر.
17. قمی، علی بن ابراهیم، (1367)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
18. کشی، محمد بن عمر، (1348)، رجال الکشی، مشهد: دانشگاه مشهد.
19. کلینی، محمد بن یعقوب، (1365)، الکافی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
20. مجلسی، محمد باقر، (1386 ه.ق)، بحارالانوار، بی جا: مکتبه الاسلامیه.

21. محمدبن مكرم (ابن منظور)، (بيتا)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
22. محمدبن حسن بن علی (شيخ حر عاملی)، (1409 ه.ق)، وسائل الشیعه، قم: آل البيت.
23. نوری، حسین بن محمد تقی (محدث نوری)، (1408 ه.ق)، مستدرک الوسائل، قم: آل البيت.

منابع فارسی

24. ابوالقاسم الحسین بن محمد (راغب اصفهانی)، (1383)، المفردات، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
25. پاینده، ابوالقاسم، (1382)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
26. جمال الدین حسن بن یوسف (علامه حلی)، (بيتا)، الفین، جعفر وجدانی، سعدی و محمودی، تهران: بینا.
27. حاج سیدجواد، احمد صدر، بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، (1375)، دایرة المعارف تشیع، تهران: شهیدسعید محبی.
28. حسکانی، حاکم، (1380)، شواهد التنزیل، احمد روحانی، قم: دارالهدی.
29. حسینی دشتی، (1385)، مصطفی، معارف و معاریف (دایرة المعارف جامع اسلامی)، تهران: آرایه.
30. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، (بيتا)، وسیلة الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، آية العظمی مرعشی نجفی، تصحیح رسول جعفریان، قم.
31. خوانساری، جمال الدین، (1366)، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، تهران: دانشگاه تهران.
32. دهخدا، علی اکبر، (1345)، لغتنامه، تهران: مجلس شورای ملی.
33. زمانی، محمد حسن، (1378)، طهارت و نجاست اهل کتاب و مشرکان در فقه اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
34. شعرانی، ابوالحسن، (بيتا)، فارسی تجرید الاعتقاد، تهران: اسلامیة.
35. صابری یزدی، علی رضا، (1375)، الحکم الزاهره، ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
36. طباطبایی، محمدحسین، (1374)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
37. طبرسی، علی بن حسن، (1374)، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: عطارد.
38. طبری، عماد الدین، (1378)، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، ترجمه محمد فربودی، تهران: نهاوندی.
39. طهرانی، ابوالفضل بن ابوالقاسم، (1309)، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، بی جا: بی نا.
40. طوسی، محمد بن حسن، (1388)، امالی، ترجمه صادق حسن زاده، قم: اندیشه هادی.
41. عطاردی، عزیزالله، (1378)، ایمان و کفر (ترجمه الایمان و الکفر بحار الانوار)، تهران: عطارد.
42. قرشی، علی اکبر، (1376)، قاموس القرآن، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
43. قمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، (1377)، کامل الزیارات، محمد جواد ذهنی تهرانی، تهران: پیام حق.
44. کربلایی، جواد بن عباس، (1381)، رساله تولی و تبری (در فضائل ائمه اطهار و مثالب غاصبان خلافت)، بیجا: ذوی القربی.
45. کلینی، محمد بن یعقوب، (1386)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، قم: قائم آل محمد.
46. مصباح یزدی، محمد تقی، (1383)، آفتاب ولایت، بیجا: امام خمینی.
47. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (1384)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
48. (1378)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
49. مؤمنی، محمد حسن، (1386)، از این صبح روشن، قم: دلیل.
50. هلالی، سلیم بن قیس، (1416 ه.ق)، اسرار آل محمد، اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی.

مقالات

51. لطیفی، محمود، (پاییز 1386)، «تقیه راهبردی برای وحدت و انسجام اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، (45)، صص 71-42.
52. محمدبن حسن، طوسی، (مهر 1377)، «رساله تولی و تبری»، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره 19، صص 29-31.